

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در تعاملات زناشویی زنان متأهل شهر تهران

ام‌البین چابکی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۳

چکیده

این مطالعه با رویکردی اخلاق محور تلاش می‌کند جایگاه اخلاق و حقوق و رابطه آن‌ها را با یکدیگر در روابط زناشویی سه نسل از زنان متأهل شهر تهران مورد مقایسه قرار دهد. گمانه اصلی پژوهش این است که بین سه نسل از زنان متأهل، تفاوت معنادار در توجه به موازین اخلاقی و حقوقی در تعاملات زناشویی وجود دارد. روش پژوهش، پیمایشی است و جامعه آماری آن را همه زنان متأهل شهر تهران تشکیل می‌دهند که از میان آن‌ها ۵۰۰ نفر به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه محقق ساخته پاسخ داده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS 20 استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سه نسل، در ارتباط با رعایت ارزش‌های اخلاقی و مطالبات حقوقی در تعاملات زوجین، تفاوت وجود دارد؛ و نسل اول بیشتر به اخلاق، نسل سوم (نسل جوان) بیشتر به مطالبات حقوقی خود در خانواده

اهمیت می‌دهد؛ و نسل دوم به عنوان میانجی، به ملاحظات اخلاقی کمتر از نسل اول و به مطالبات حقوقی کمتر از نسل سوم توجه دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، نشان داد که متغیرهای اشتغال، تحصیلات و نسل، توان تبیین ۰/۴۹۹ واریانس متغیر وابسته «مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی» را و متغیرهای سن، مدت زندگی زناشویی و اشتغال، توان تبیین ۰/۴۳۶ واریانس متغیر «ملاحظات اخلاقی در زندگی زناشویی» را دارند.

واژه‌های کلیدی: اخلاق، حقوق، زنان، تعاملات زناشویی، خانواده

۱. مقدمه

تغییر ارزش‌های اخلاقی در قلمرو خانواده، این نهاد بنیادین اجتماع را با مسائل و بحران‌های گوناگون مواجه کرده است. افزایش مطالبات و خواست‌های زنان برای دستیابی به حقوق هر چه بیشتر، امروزه خانواده را عرصه جدال حقوق و اخلاق در روابط زناشویی ساخته که مسائل و بحران‌های اجتماعی خاص خود را به همراه داشته است. بالارفتن آمار طلاق و مسائل اجتماعی مرتبط با آن می‌تواند به عنوان یکی از پیامدهای تغییرات ارزشی در خانواده مطرح باشد. نظر به اهمیت خانواده در جامعه اسلامی ما، پژوهش پیرامون معضلات آن از ابعاد گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف آسیب شناسی خانواده از بعد تغییر ارزش‌های اخلاقی در این نهاد، در صدد است تا نشان دهد که امروزه زوجین در روابط خود با فاصله گرفتن از ارزش‌های اخلاقی، بیشتر به سمت مطالبات حقوقی خویش رفته‌اند؛ در حالی که تنها اخلاق می‌تواند ضمانت اجرای مطمئنی را برای تأمین حقوق زوجین فراهم آورد. این موضوع که اخلاق یا حقوق، کدام‌یک در خانواده‌ها حرف اول را می‌زند؟ و آیا در این خصوص بین نسل‌ها تفاوتی وجود دارد؟ پرسش‌هایی است که پژوهش حاضر در صدد پاسخ به آن‌ها بوده و در این راستا بدون ورود به علل و عوامل، رابطه اخلاق و حقوق در سه نسل از زنان متأهل شهر تهران را مورد بررسی و مقایسه قرار داده است.

حقوق و اخلاق در خانواده، موضوع پژوهش‌های زیادی بوده و مقالات بسیاری در این زمینه انتشار یافته است. صفورایی پاریزی در مقاله خود به این نکته اشاره می‌کند که رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم، تأمین‌کننده کارآمدی خانواده است (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹). پژوهشی با عنوان «نقش اخلاق مدارا در تأمین حقوق زن در خانواده، با تأکید بر شروط ضمن عقد»، به این نتیجه دست یافته است که در صورت عدم پابندی زوج به موازین اخلاقی، شروط ضمن عقد نمی‌تواند حقوق زن را در خانواده تأمین کند (چابکی، اردیبهشت ۱۳۹۳). نتایج مطالعه زارعی (۱۳۹۰) نشان داد که آمیختگی قوانین و مقررات خانواده با اخلاق، ضامن اجرایی آن به شمار می‌رود و خانواده با وجود حقوق و تکالیف اخلاق‌محورانه، استحکام می‌یابد. عباس زاده در مقاله‌ای، با بیان اهمیت امر ضمانت اجرایی قوانین، بر این نکته تأکید کرده که حقوق و قوانین از الزامات حداقلی زندگی خانوادگی و رعایت اخلاق در حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی از الزامات حداکثری است و انسان نباید به خود اجازه دهد که از سقف زندگی که همان اخلاق است به کف زندگی که همان حقوق و قوانین خانوادگی و اجتماعی است، تنزل یابد (عباس زاده، ۱۳۹۳). در مقاله «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام»، با طرح و تبیین اصول حاکم بر نظام ارزشی و حقوقی خانواده، به این موضوع اشاره شده است که نگاه حقوقی صرف به خانواده، موجب فروپاشی آن می‌شود و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی‌تواند آرامش را برای خانواده به ارمغان آورد (مهدوی کنی، ۱۳۹۲). شفایی (بی تا) در مقاله «بررسی حقوق خانواده در پرتو اخلاق»، به مطالعه حقوق خانواده در افغانستان پرداخته و به این نتیجه رسیده که دخالت دولت در نهاد خانواده از جمله در قانون منع خشونت علیه زنان و قانون احوال شخصیه، به بنیاد این نهاد آسیب می‌رساند. لوبنتو^۱ (۱۹۹۵)، در ارتباط با اخلاق در حقوق خانواده به این نکته اشاره می‌کند که سیستم قضایی و دادگاه‌ها، برای حل مشکلات خانوادگی، زن و شوهر را رقیب و دشمن یکدیگر می‌بینند و از این رو

1. Lou Benotto

اگر اخلاق در این خصوص دخالت کند، مشکلات بهتر برطرف خواهد شد. مارگولین^۱ (۱۹۸۲) در مقاله «ملاحظات اخلاقی و حقوقی در زوج درمانی و خانواده درمانی»، به موضوع اخلاق و حقوق در خانواده، از بُعد درمانی توجه کرده است. بسیاری از مقالات خارجی در این زمینه، به اهمیت ملاحظات اخلاقی و حقوقی در خانواده درمانی و زوج درمانی پرداخته‌اند.

جدای از این مقالات و پژوهش‌ها، مطالعات انجام شده در ارتباط با حقوق و اخلاق در خانواده، به میزان قابل توجهی جنبه حقوقی دارند. این امر نشان دهنده اهمیت فضای حقوقی در خانواده‌های امروز و کم توجهی به اخلاق است. از این گذشته تقریباً تمام مقالات نوشته شده در این رابطه توصیفی و کتابخانه‌ای بوده و تعداد بسیار کمی از آن‌ها به هر دو موضوع اخلاق و حقوق در خانواده پرداخته‌اند. در حالی که مقاله حاضر در پژوهشی پیمایشی، رابطه اخلاق و حقوق در روابط همسری زنان متأهل را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به مقایسه‌ای بین نسلی مبادرت می‌ورزد.

۲. مباحث نظری

بر اساس نظریه «مبادله اجتماعی»^۲ انسان‌ها در موقعیت‌های اجتماعی رفتارهایی را بر می‌گزینند که در نظر آنان بالاترین احتمال را در برآوردن منافع شخصی در آن موقعیت‌ها در اختیار دارند. فرایندهای مبادله منجر به هزینه یا پاداش برای افراد می‌شوند و به الگودهی به کنش‌های متقابل اجتماعی می‌انجامند. این الگوها افزون بر آن که در خدمت نیازهای افرادند آنان را در مورد چگونگی برآوردن آن نیازها تحت فشار قرار می‌دهند (Chibucos & Leite, Ibid: 137). بنابراین بر اساس نظریه مبادله اجتماعی، افراد در تعامل با یکدیگر می‌کوشند سود خود را به حداکثر برسانند.

1. Margolin
2. Social Exchange Theory

در نظریه «ستیز اجتماعی»^۱، گروه‌های یک جامعه برای دستیابی به قدرت و رسیدن به منابع کمیاب، باهم در حال ستیزند. تضاد ممکن است شکلی از بحث‌ها، دعوای و مذاکرات گوناگون سیاسی، حقوقی، یا خانوادگی درباره مسائل مالی باشد (ستوده و کمالی، همان: ۵۴). از این منظر هیچ رابطه‌ای را نمی‌توان یافت که در آن همه رقبا برنده باشند و همه روابط اجتماعی در بردارنده رابطه برد و باخت هستند. در این رویکرد، خانواده نظام قدرتی تلقی می‌شود که بر قشریندی جنسیتی و سنی بنا شده است. بازتاب تفاوت‌های اساسی اعضای خانواده در امری همچون مشارکت تبعیض آمیز در کار خانگی، الگوهای سوءاستفاده و بی‌اعتنایی و اثرگذاری و مشارکت در تصمیم‌ها ظاهر می‌شود (بستان، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۰۳). این در حالی است که خانواده، از نظر کارکردگرایان، و از جمله امیل دورکیم و تالکوت پارسونز^۲ محلی برای بروز همکاری بین زن و مرد است (ستوده و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۷۷). از آنجا که در جوامع در حال گذار به مدرنیسم، ارزش‌های سنتی و اعتقادات کهن در یک محیط در حال تغییر به سرعت اعتبار و مفهوم خود را از دست می‌دهند (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۵۹)، هم مناسبات بین خانواده و هم مناسبات درون خانواده در حال تحول است (مهدوی، ۱۳۷۷: ۲۱ و ۲۲). اینگلهارت تحولات ارزشی در جوامع امروز را ناشی از دگرگونی فرهنگی قلمداد کرده و دگرگونی فرهنگی را تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای می‌داند که به نسل‌های مختلف شکل داده است. از نظر وی گاهی تجارب یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱ و ۲). این تغییرات از نظر اینگلهارت با تغییر ارزش‌های سنتی، به ارزش‌های سکولار - عقلانی صورت می‌گیرد (Inglehart & Welzel, 2007: 20) و در چنین شرایطی به استقلال و تحقق اهداف شخصی اهمیت داده می‌شود (Triandis, 1998: 120).

1. Social Conflict Theory
2. Talcott Parsons

با توجه به نظریات بالا، چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریات اینگلهارت در مورد تغییرات ارزشی و تفاوت‌های نسلی، و نظریه مبادله اجتماعی در خصوص توجه هر یک از زوجین به منافع خود و نظریه ستیز اجتماعی در ارتباط با رقابت زن و شوهر برای کسب موقعیت برتر در زندگی زناشویی است. این نظریه‌ها در کنار نظریه کارکردگرایی، می‌توانند این موضوع را تبیین کنند که تعاملات زن و شوهر در زندگی مشترک، از همکاری و همدلی (مورد نظر دیدگاه‌های کارکردی - ساختی)، به سمت کسب منافع فردی و مطالبات حقوقی (نظریه مبادله اجتماعی) و رقابت زن و شوهر (نظریه ستیز اجتماعی) گرایش یافته است که نتیجه طبیعی آن، فاصله گرفتن تعاملات زوجین از ارزش‌های اخلاقی و تأکید بر احقاق حقوق است که با توجه به نظریه اینگلهارت تفاوت‌های نسلی در این زمینه قابل تأمل خواهد بود.

۳. فرضیه‌ها

۳,۱. فرضیه اصلی: در تعاملات زناشویی سه نسل از زنان متأهل شهر تهران در میزان توجه به حقوق و اخلاق، تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۳,۲. فرضیه‌های فرعی:

۳,۲,۱. میزان توجه به مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی، در سه نسل از زنان متأهل شهر تهران متفاوت است.

۳,۲,۲. میزان توجه به موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی، در سه نسل از زنان متأهل شهر تهران متفاوت است.

۳,۲,۳. رابطه رعایت ارزش‌های اخلاقی و میزان مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

۳,۲,۴. رابطه تحصیلات و میزان توجه زنان به مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در ... ۱۵۳

۳,۲,۵. رابطه تحصیلات و میزان توجه زنان به موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

۳,۲,۶. رابطه اشتغال و میزان توجه زنان به مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

۳,۲,۷. رابطه اشتغال و میزان رعایت موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

۳,۲,۸. رابطه تحصیلات شوهر و میزان مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

۳,۲,۹. رابطه تحصیلات شوهر و میزان رعایت موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

۴. تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

۴,۱. اخلاق^۱: اصطلاح *ethics* (اخلاق) از واژه یونانی *ethikos* و به معنای منش و خصیصه است و با واژه *morality* ارتباط معنایی نزدیکی دارد؛ اما دایره معنایی آن بسیار وسیع تر از *morality* است (Annas, 2001: 485 – 486). فرهنگ عمید اخلاق را «هنجارهای مورد قبول جامعه که نشان دهنده درستی یا نادرستی رفتار اشخاص است»، می‌داند (عمید، ۱۳۸۹). واژه اخلاق، در اصطلاح علمای علم اخلاق، مجموعه صفات و ملکات روحی و نفسانی است که منشأ صدور افعال مناسب، به آسانی و بدون به کار گرفتن فکر و اندیشه می‌شود (خورانی و شریفی، ۱۳۸۹: ۳۰). از اخلاق تقسیم‌بندی‌هایی ارائه شده است. تقسیم آن به اخلاق معطوف به تکلیف (وظیفه‌گرا)^۲، اخلاق معطوف به نتیجه^۳ (غایت‌گرا)^۴ و اخلاق معطوف به فضیلت، از رایج‌ترین آنها

-
1. ethi.cs
 2. Deontological
 3. Result oriented
 4. Teleological

است. با توجه به این که "خیر"، غایت اخلاق در بسیاری از نظریات اخلاقی است، اگر تحقق آن جنبه الزام و اجبار به خود بگیرد، "وظیفه" خواهد بود. در این فرض، فرد وظیفه خود می‌داند که خیر را متحقق سازد، به خوبی گراید و به عبارت دیگر "خیر"، موضوع و ماده وظیفه است (ژکس، ۱۳۶۲: ۳۳). بر اساس نظریات نتیجه محور (غایت‌گرا) یک عمل در صورتی از لحاظ اخلاقی درست است که نتایج آن بیشتر مطلوب باشد تا نامطلوب. اگر نتایج بد بیشتر بود در این صورت عمل مورد نظر از لحاظ اخلاقی نادرست و اگر نتایج خوب بیشتر بود، در این صورت، این عمل از لحاظ اخلاقی درست است (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۸). اخلاق تکلیف مدار و غایت‌گرا در بیشتر موارد وارد نظام حقوقی کشورها شده و از ضمانت اجرا برخوردار است. از منظر اخلاق مبتنی بر فضیلت^۱ اگر منش و نیت کسی برای انجام یک عمل، درست و خیر باشد، کنش او نیز درست و اخلاقی خواهد بود. در واقع در روابط انسان‌ها، نوع دیگری از اخلاق به چشم می‌خورد که ناظر بر فضیلت‌های انسانی و خارج از حوزه تکلیف یا نتیجه عمل آنهاست. اخلاق فضیلت مدار، بر خصایلی چون عفو و گذشت، ایثار و فداکاری تأکید دارد و فرد را متعهد به اصولی می‌کند که نسبت به منافع "خود" بی‌اعتنا است و بیشتر بر محور منافع "دیگری" قرار دارد. این امر به ویژه در روابط زناشویی مجال بروز بیشتری می‌یابد. در پژوهش حاضر «اخلاق معطوف به فضیلت» مد نظر قرار دارد. به بیان دیگر موازین اخلاقی‌ای که عدم رعایت آنها در بسیاری از موارد، مجازات قانونی نخواهد داشت. این متغیر با ۱۷ گویه زیر مورد سنجش قرار گرفت:

راستگویی و صداقت در برابر شوهر- تلاش برای حفظ ارتباط با خویشاوندان همسر- حفظ عفت و پاکدامنی (رعایت موازین شرعی در ارتباط با مردان نامحرم)- پرهیز از تکبر و خود برتربینی در زندگی زناشویی- عفو و گذشت در برابر خطاهای

شوهر- صبر و شکیبایی در برابر مشکلات- ایثار و از خودگذشتگی- وفاداری و حفظ زندگی مشترک؛ حتی در صورت ازدواج مجدد شوهر- مشورت و همفکری با شوهر به هنگام تصمیم گیری- عیب پوشی و حفظ اسرار شوهر- اعتماد به همسر- قدرشناسی از همسر- امانت داری در حفظ اموال خانواده- ادامه زندگی حتی در صورت ابتلای شوهر به بیماری صعب العلاج یا غیر قابل درمان- زشت دانستن طلاق و ادامه زندگی در هر شرایطی برای حفظ کانون خانواده- موافقت با خواست شوهر حتی در صورت عدم موافقت با آن - رعایت موازین اخلاقی در زندگی زناشویی، حتی در صورت پایبند نبودن شوهر به اخلاق.

۴,۲. حقوق^۱: «حق» به معنای اختیار و تسلطی است که برای شخص در روابط او با دیگران ایجاد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۵۲ و ۲۵۳)؛ و «حقوق» (جمع حق)، قدرتی است که از سوی قانون‌گذار به شخص داده می‌شود و یا این که قدرت یا امتیازی است که کسی یا جمعی سزاوار برخوردار از آن است؛ به ویژه قدرت یا امتیازی است که به موجب قانون یا عرف مقرر شده باشد (مارشال، ۱۳۸۸: ۶۴۵). تعریف عملیاتی این پژوهش از حقوق، مجموعه امتیازات و قدرتی است که به موجب قانون به زن به عنوان زوجه داده شده است. گویه‌های مرتبط با این متغیر از حقوق مدنی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده و در دو بخش مالی و غیر مالی شامل ۲۱ مورد زیر می‌شود:

مهریه، نفقه، حق ارث، اجرت المثل، حق برخورداری از حسن معاشرت (اخلاق نیکو) شوهر، حق تأمین نیاز جنسی، حق برخورداری از همکاری شوهر در اداره امور خانواده و تربیت فرزند، حق فرزند آوری، حق حضانت از کودکان، محدود کردن حق ازدواج مرد، حق انتخاب محل سکونت، حق مالکیت، حق اشتغال، حق طلاق، حق برخورداری از شروط ضمن عقد، طلاق به دلیل عقیم بودن شوهر، طلاق به دلیل ترک زندگی خانوادگی از طرف مرد بدون عذر موجه (درحالی که به زنده بودن او یقین است)، طلاق به دلیل مفقود الاثر شدن شوهر (غیبت شوهر از خانه به مدت طولانی بدون آن که

کسی بداند او زنده است یا خیر)، طلاق به دلیل ابتلای شوهر به بیماری‌های صعب‌العلاج، طلاق به دلیل اشتغال شوهر به شغلی منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زن، طلاق به دلیل ابتلای شوهر به هرگونه اعتیاد مضر برای زندگی خانوادگی به تشخیص دادگاه.

۴,۳ نسل^۱: از نسل تعاریف مختلفی ارائه شده است. کارل مانهایم^۲ افرادی را که دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند را از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و از آن‌ها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۱ به نقل از مانهایم، ۱۹۵۲). در فرهنگ علوم اجتماعی «نسل» فاصله زمانی بین تولد اعضای از جامعه است که همزمان زاده شده‌اند و تولد فرزند آن‌ها؛ که دانشمندان علوم اجتماعی آن را از لحاظ آماری دوره معینی فرض می‌کنند که معمولاً ۳۰ سال است (گولد و کلب، ۱۳۷۶: ۸۴۳). تعریف عملیاتی این پژوهش از نسل بر اساس تعریف مانهایم قرار دارد. از این رو، نسل اول شامل زنان متأهل ۶۵ سال و بالاتر، نسل دوم شامل زنان متأهل ۳۵ تا ۶۴ سال و نسل سوم شامل زنان متأهل ۱۸ تا ۳۴ سال می‌شود. نسل اول دوران پهلوی، انقلاب و جنگ را تجربه کرده، نسل دوم از دوران پهلوی تجربه دقیقی ندارد، ولی جنگ را تجربه کرده و نسل سوم که پس از انقلاب به دنیا آمده، از دوره پهلوی تجربه ای ندارد و از جنگ نیز به دلیل آن که یا در کودکی او اتفاق افتاده و یا تولدش پس از جنگ بوده است، تجربه دقیقی ندارد. این گروه بیشتر از طریق رسانه‌ها و دوره‌های آموزشی، تجربه‌های دوران پهلوی، انقلاب و جنگ را حس کرده‌اند (برگرفته از: آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

۴,۴ تأهل^۳: زنان متأهل در این پژوهش، شامل همه زنانی می‌شود که به شکل رسمی ازدواج و هنگام اجرای پرسشنامه با همسر خود زیر یک سقف زندگی می‌کرده‌اند. بنابراین شامل دختران مجرد و زنان مطلقه یا بیوه نمی‌شود.

1. generation
2. Manheim
3. marriage

۵. روش تحقیق

این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. ابزار پژوهش در این مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته است؛ که با پرسش‌های بسته در دامنه ۵ گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده است. روایی پرسشنامه با ارایه آن به استادان گروه علوم اجتماعی و مطالعات زنان بررسی شد. برای آزمون پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را بانوان متأهل ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند که بر اساس سرشماری آبان سال ۱۳۹۰، شمار آن‌ها ۲ میلیون و ۵۷۶ هزار و ۲۱۶ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، <http://www.sci.org.ir>) حجم نمونه با اندکی افزایش در تعداد تعیین شده توسط فرمول کوکران ۵۰۰ نفر تعیین شد. آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، از ۵ منطقه تهران (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب) انتخاب شدند. زمان اجرای پرسشنامه‌ها، نیمه اول تیر ماه ۱۳۹۴ بوده است. داده‌ها، با استفاده از نرم افزار SPSS۲۰ و آزمون آنوا، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون لون، آزمون تعقیبی شفه و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
موازن اخلاقی در تعامل با همسر	۱۷	۰/۸۸۵
موازن حقوقی در تعامل با همسر	۲۱	۰/۸۹۴

۶. یافته‌های پژوهش

گستره سنی جمعیت مورد مطالعه ۱۸ تا ۸۵ سال است. گروه مورد بررسی به سه نسل تقسیم شد: نسل سوم، گروه سنی ۱۸ تا ۳۴ سال، شامل ۱۸۱ نفر (۳۶/۲ درصد آزمودنی‌ها)؛ نسل دوم، گروه سنی ۳۵ تا ۵۹ سال، شامل ۲۲۳ نفر (۴۴/۶ درصد

آزمودنی‌ها)؛ و نسل اول، ۶۰ سال به بالا شامل ۹۶ نفر (۱۹/۲ درصد آزمودنی‌ها) است. میانگین سن کل آزمودنی‌ها ۴۴/۴۱ سال، میانگین سن در نسل سوم ۲۷/۶۱ سال، در نسل دوم ۴۶/۸۸ سال و در نسل اول ۷۰/۳۵ سال است. ۲/۲ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۶/۴ درصد در سطح ابتدایی، ۱۲ درصد زیر دیپلم، ۲۵ درصد دیپلم، ۳۸/۴ درصد کاردانی و کارشناسی و ۱۶ درصد در سطح سواد کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند. همسر هیچ‌یک از پاسخگویان بی‌سواد نبوده، ۳/۸ درصد در سطح ابتدایی، ۷ درصد زیر دیپلم، ۲۱ درصد دیپلم، ۴۳/۲ درصد کاردانی و کارشناسی، و ۲۵ درصد کارشناسی ارشد و دکترا بوده‌اند. ۱۹ درصد پاسخگویان شاغل، ۷۶/۲ درصد خانه‌دار و ۴/۸ درصد بازنشسته بودند. ۳۰ نفر (۶ درصد) تا ۵ سال، ۲۸ نفر (۵/۶ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۹ نفر (۱/۸ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۵۶ نفر (۱۱/۲ درصد) بیش از ۱۶ سال سابقه کار داشتند. ۱۴۳ نفر (۲۸/۶ درصد) مدت زمان زندگی زناشویی خود را تا ۵ سال، ۷۵ نفر (۱۵ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۴۳ نفر (۸/۶ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۷ نفر (۷/۴ درصد) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۲۰۲ نفر (۴۰/۴ درصد) بیش از ۲۱ سال بیان کردند. ۱۰/۲ درصد بدون فرزند بودند. همچنین، ۵۶ درصد آزمودنی‌ها ۱ تا ۳ فرزند، ۱۶/۸ درصد ۴ فرزند و ۱۷ درصد ۵ فرزند و بیشتر داشته‌اند. درآمد ماهانه خانواده ۲۵ درصد پاسخگویان زیر یک میلیون تومان، ۴۱/۸ درصد بین یک میلیون تا یک میلیون و ۹۹۹ هزار تومان و ۳۳/۲ درصد ۲ میلیون تومان و بیشتر بوده است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱: میزان توجه به مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی، در سه نسل از زنان متأهل شهر تهران متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون آنوا استفاده شد. نتایج نشان داد ضریب F در بررسی میزان مطالبات حقوقی در سه نسل ۱۵۰/۴۷۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است.

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در ... ۱۵۹

پس، فرضیه تأیید می‌شود. می‌توان گفت توجه به مطالبات حقوقی بین نسل‌های بررسی شده تفاوت معناداری دارد (جدول ۲).

جدول ۲- تحلیل واریانس مطالبات حقوقی در سه نسل (ANOVA)

سطح معناداری	F	
۰/۰۰۰	۱۵۰/۴۷۹	مطالبات حقوق

نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان دهنده آن است که میانگین میزان مطالبات حقوقی در نسل سوم از نسل دوم و نسل دوم از نسل اول بیشتر است. بر اساس سطح معناداری به دست آمده می‌توان گفت میانگین نمرات گویه‌های حقوقی در سه نسل تفاوت معناداری دارد و میزان آن در نسل سوم بیش از نسل دوم؛ و در نسل دوم بیش از نسل اول است (جدول ۳).

جدول ۳- اختلاف میانگین میزان مطالبات حقوقی در سه نسل آزمون تعقیبی شفه

آزمون شفه	گروه همگن سوم	گروه همگن دوم	گروه همگن اول	تعداد	نسل
سطح معناداری					
۰/۰۰۰			۶۳/۶۴۵۸	۱۸۱	اول
۰/۰۰۰		۷۳/۴۶۶۴		۲۲۳	دوم
۰/۰۰۰	۸۴/۷۶۲۴			۹۶	سوم
	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		

فرضیه فرعی ۲: بین سه نسل از زنان متأهل شهر تهران در میزان رعایت موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.

ضریب F در بررسی موازین اخلاقی در سه نسل ۱۵۰/۰۰۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. پس، فرضیه تائید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت رعایت موازین اخلاقی در بین نسل‌های بررسی شده تفاوت دارد (جدول ۴).

جدول ۴- تحلیل واریانس رعایت موازین اخلاق در سه نسل (ANOVA)

سطح معناداری	F	
۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۷	موازین اخلاقی

نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان داد که میانگین نمرات موازین اخلاق در نسل اول از نسل دوم و نسل دوم از نسل سوم بیشتر است. بر اساس سطح معناداری به دست آمده می‌توان گفت میانگین نمرات موازین اخلاقی در سه نسل تفاوت معناداری دارد و میزان آن در نسل اول بیش از نسل دوم و در نسل دوم بیشتر از نسل سوم است (جدول ۵).

جدول ۵- اختلاف میانگین نمرات موازین اخلاق در سه نسل آزمون تعقیبی شفه

سطح معناداری	گروه همگن سوم	گروه همگن دوم	گروه همگن اول	آزمون شفه	
				تعداد	نسل
۰/۰۰۰			۴۲/۲۸۷۳	۱۸۱	سوم
۰/۰۰۰		۵۰/۴۳۵۰		۲۲۳	دوم
۰/۰۰۰	۶۳/۱۰۴۲			۹۶	سوم
	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰		

فرضیه فرعی ۳: رابطه رعایت ارزش‌های اخلاقی و میزان مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در ... ۱۶۱

بررسی بین نسلی رابطه رعایت ارزش‌های اخلاقی و میزان مطالبات حقوقی، تفاوت بین سه نسل را در این خصوص مشخص کرد. برای این منظور میانگین نمرات ارزش‌های اخلاقی و میانگین نمرات مربوط به گوینه‌های حقوقی، مد نظر قرار گرفت. نتایج آزمون پیرسون نشان داد که ضریب همبستگی در رابطه بین این دو متغیر در نسل سوم $-0/336$ و سطح معناداری $0/021$ ، در نسل دوم $-0/517$ و سطح معناداری $0/000$ و در نسل اول $-0/662$ و سطح معناداری $0/000$ است. پس رابطه این دو متغیر در هر سه نسل معنادار و نشان دهنده همبستگی منفی بین آنهاست، اما این رابطه در نسل سوم ضعیف است. پس هرچه میزان رعایت ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی کمتر بوده، میزان مطالبات حقوقی بیشتر شده است (جدول ۶).

جدول ۶- ضریب همبستگی میزان مطالبات حقوقی و رعایت موازین اخلاقی به تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	P	
۱۸۱	۰/۰۲۱	-۰/۳۳۶	مطالبات حقوقی - موازین اخلاقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۰۰۰	-۰/۵۱۷	مطالبات حقوقی - موازین اخلاقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۰	-۰/۶۶۲	مطالبات حقوقی - موازین اخلاقی (نسل اول)

فرضیه فرعی ۴: رابطه تحصیلات و میزان توجه زنان به مطالبات حقوقی در

تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

بررسی رابطه بین تحصیلات و توجه به مطالبات حقوقی به تفکیک نسل نشان داد ضریب F در بررسی رابطه بین تحصیلات و توجه زنان به مطالبات حقوقی در نسل سوم، $0/286$ و سطح معناداری $0/835$ است. پس، معناداری این رابطه در نسل سوم رد می‌شود. ضریب F در نسل دوم، $6/254$ و سطح معناداری $0/000$ ؛ و در نسل اول، $16/357$ و سطح معناداری $0/000$ است. پس، این فرضیه در نسل‌های اول و دوم تأیید

می‌شود و می‌توان گفت در این دو نسل بین تحصیلات و توجه زنان به مطالبات حقوقی رابطه معنادار آماری وجود دارد (جدول ۷).

جدول ۷- ضریب همبستگی رابطه بین تحصیلات و مطالبات حقوقی به تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	F	
۱۸۱	۰/۰۳۵	۰/۲۸۶	تحصیلات - مطالبات حقوقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۰۰۰	۶/۲۵۴	تحصیلات - مطالبات حقوقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۰	۱۶/۳۵۷	تحصیلات - مطالبات حقوقی (نسل اول)

فرضیه فرعی ۵: رابطه تحصیلات و میزان توجه زنان به موازین اخلاقی در

تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

بررسی رابطه بین تحصیلات و رعایت موازین اخلاقی به تفکیک نسل نشان داد

ضریب F در بررسی رابطه بین تحصیلات و رعایت موازین اخلاقی در نسل سوم ۳/۵۴۸ و سطح معناداری ۰/۰۱۶ است. پس، این رابطه در نسل سوم تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین تحصیلات و رعایت موازین اخلاقی در نسل سوم رابطه معنادار وجود دارد، اما این رابطه ضعیف است. ضریب F در بررسی این رابطه در نسل دوم ۹/۶۸۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰؛ و در نسل اول ۵/۶۹۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. پس، این فرضیه در هر سه نسل تأیید می‌شود (جدول ۸).

جدول ۸- ضریب همبستگی رابطه بین تحصیلات و موازین اخلاقی به تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	P	
۱۸۱	۰/۰۱۶	۳/۵۴۸	تحصیلات - موازین اخلاقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۰۰۰	۹/۶۸۵	تحصیلات - موازین اخلاقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۰	۵/۶۹۱	تحصیلات - موازین اخلاقی (نسل اول)

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در ... ۱۶۳

فرضیه فرعی ۶: رابطه اشتغال و میزان توجه زنان به مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

بررسی رابطه بین وضع اشتغال و توجه به مطالبات حقوقی به تفکیک نسل نشان داد: ضریب F در رابطه بین وضع اشتغال و توجه زنان به مطالبات حقوقی در نسل سوم ۰/۳۲ و سطح معناداری ۰/۸۵۷؛ در نسل دوم ۴/۱۱۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰؛ و در نسل اول ۱۰/۱۹۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. پس، این رابطه در نسل سوم رد و در دو نسل دیگر تأیید می‌شود (جدول ۹).

جدول ۹- ضریب همبستگی رابطه بین وضع اشتغال و مطالبات حقوقی به تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	P	
۱۸۱	۰/۸۵۷	۰/۳۲	وضع اشتغال- مطالبات حقوقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۰۱۸	۴/۱۱۴	وضع اشتغال- مطالبات حقوقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۰	۱۰/۱۹۲	وضع اشتغال- مطالبات حقوقی (نسل اول)

فرضیه فرعی ۷: رابطه اشتغال و میزان توجه زنان به ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی در سه نسل تفاوت دارد.

بررسی رابطه اشتغال و میزان توجه زنان به ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی به تفکیک نسل نشان داد: ضریب F در بررسی این رابطه در نسل سوم ۲/۱۹۲ و سطح معناداری ۰/۱۴۰؛ در نسل دوم ۰/۶۸۵ و سطح معناداری ۰/۵۰۵ و در نسل اول ۱۳/۸۷۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. پس، این فرضیه در نسل اول تأیید و در نسل دوم و سوم رد می‌شود و می‌توان گفت فقط در نسل اول بین اشتغال زنان و میزان رعایت ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی رابطه معنادار آماری وجود دارد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- ضریب همبستگی رابطه بین وضع اشتغال و رعایت موازین اخلاقی به تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	<i>P</i>	
۱۸۱	۰/۱۴۰	۲/۱۹۲	وضع اشتغال - رعایت موازین اخلاقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۵۰۵	۰/۶۸۵	وضع اشتغال - رعایت موازین اخلاقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۰	۱۳/۸۷۷	وضع اشتغال - رعایت موازین اخلاقی (نسل اول)

فرضیه فرعی ۸: رابطه تحصیلات همسر و میزان مطالبات حقوقی در تعاملات

زناشویی در سه نسل تفاوت معنادار آماری دارد.

در بررسی رابطه بین تحصیلات همسر و توجه به مطالبات حقوقی در تعاملات

زناشویی به تفکیک نسل، ضریب *F* در نسل سوم ۰/۸۱۹ و سطح معناداری ۰/۴۴۳

است. پس این فرضیه در نسل سوم رد می‌شود؛ اما ضریب *F* در بررسی این رابطه در

نسل دوم ۶/۵۰۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ و در نسل اول ۱۱/۷۸۰ و سطح معناداری

۰/۰۰۰ است. بنابر این رابطه معنادار آماری بین دو متغیر مورد نظر در نسل دوم و اول

تائید می‌شود (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- ضریب همبستگی رابطه بین تحصیلات همسر و مطالبات حقوقی به تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	<i>F</i>	
۱۸۱	۰/۴۴۳	۰/۸۱۹	تحصیلات همسر - مطالبات حقوقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۰۰۰	۶/۵۰۴	تحصیلات همسر - مطالبات حقوقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۰	۱۱/۷۸۰	تحصیلات همسر - مطالبات حقوقی (نسل اول)

فرضیه فرعی ۹: در هر سه نسل رابطه تحصیلات همسر و میزان رعایت

موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی معنادار است.

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در ... ۱۶۵

ضریب F در بررسی رابطه بین تحصیلات شوهر و رعایت موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی به تفکیک نسل، در نسل سوم $۸/۶۱۴$ و سطح معناداری $۰/۱۰۸$ ؛ در نسل دوم $۵/۳۰۷$ و سطح معناداری $۰/۰۱۲$ ؛ و در نسل اول $۶/۱۸۴$ و سطح معناداری $۰/۰۰۵$ است. پس، این فرضیه در نسل سوم رد و در دو نسل دیگر تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین تحصیلات همسر و رعایت موازین اخلاقی در نسل‌های دوم و اول رابطه معنادار وجود دارد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- ضریب همبستگی رابطه بین تحصیلات همسر و رعایت موازین اخلاقی به

تفکیک نسل

تعداد	سطح معناداری	F	
۱۸۱	۰/۱۰۸	۸/۶۱۴	تحصیلات همسر - رعایت موازین اخلاقی (نسل سوم)
۲۲۳	۰/۰۱۲	۵/۳۰۷	تحصیلات همسر - رعایت موازین اخلاقی (نسل دوم)
۹۶	۰/۰۰۵	۶/۱۸۴	تحصیلات همسر - رعایت موازین اخلاقی (نسل اول)

تحلیل رگرسیون گام به گام

نتیجه آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه با توجه به مقدار بتای متغیرها، نشان می‌دهد متغیرهای اشتغال، تحصیلات و نسل، $۰/۴۹۹$ واریانس متغیر «مطالبات حقوقی» را تبیین کرده است. مقدارهای R^2 افزوده شده در هر گام نشان می‌دهد که با ورود هر یک از متغیرها در هر یک از گام‌های سه گانه این معادله، چه اندازه به R^2 افزوده شده است (جدول ۱۳).

جدول ۱۳- تحلیل رگرسیون چند متغیره مطالبات حقوقی آزمودنی ها در تعاملات زناشویی

گام	متغیر پیش بین	R	R ²	F	Sig	T	sig	B	Beta
گام اول	اشتغال	۰/۵۸۴	۰/۳۴۱	۶۲/۶۳۷	۰/۰۰۰	-۷/۹۱۴	۰/۰۰۰	۱/۵۰۱	-۰/۵۸۴
گام دوم	تحصیلات	۰/۶۱۲	۰/۳۷۴	۳۵/۹۰۷	۰/۰۰۰	-۲/۵۲۸	۰/۰۱۳	۱/۳۴۴	-۰/۲۲۸
گام سوم	نسل	۰/۶۳۲	۰/۴۹۹	۲۶/۳۵۹	۰/۰۰۰	۲/۲۱۸	۰/۰۲۸	۰/۳۵۷	۰/۴۶۱
مقادیر ثابت									
مقدار T: ۵۰/۵۴۶ مقدار B: ۸۹/۰۸۸									

نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه با توجه به مقدار بتای متغیرها، حاکی از آن است که متغیرهای زمینه‌ای سن، مدت زندگی زناشویی و اشتغال، ۰/۵۳۶ واریانس متغیر اخلاق را تبیین کرده است. مقدارهای R^۲ افزوده شده در هر گام نشان می‌دهد که با ورود هر یک از متغیرها در هر یک از گام‌های سه گانه این معادله، چه اندازه به R^۲ افزوده شده است (جدول ۱۴).

جدول ۱۴- تحلیل رگرسیون چند متغیره ارزش‌های اخلاقی آزمودنی ها در تعاملات زناشویی

گام	نام متغیر	R	R ²	F	sig	T	Sig	B	Beta
گام اول	سن	۰/۶۱۹	۰/۳۸۳	۷۵/۱۹۷	۰/۰۰۰	۸/۶۷۲	۰/۰۰۰	-۰/۶۳۴	-۰/۶۱۹
گام دوم	مدت زندگی زناشویی	۰/۶۳۶	۰/۴۰۵	۴۰/۸۲۰	۰/۰۰۰	-۲/۰۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۷	-۰/۳۶۸
گام سوم	اشتغال	۰/۶۶۰	۰/۴۳۶	۳۰/۶۴۲	۰/۰۰۰	۲/۵۵۴	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۰/۴۷۰
مقادیر ثابت									
مقدار T: ۲/۷۳۱ مقدار B: ۱۷/۸۸۳									

۷. نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی تحولات ارزشی خانواده در ایران، سه نسل از زنان متأهل شهر تهران را از نظر پایبندی به موازین اخلاقی و مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی مورد مقایسه قرار داد. برای این منظور ۵۰۰ نفر از ساکنان شهر تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه محقق ساخته پاسخ دادند. نتایج حاصل از آزمون ۹ فرضیه تحقیق مؤید تفاوت نسل‌ها در رعایت ارزش‌های اخلاقی و نیز مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی بود. بر اساس این داده‌ها، زنان نسل اول در مقایسه با نسل سوم، پایبندی بیشتری به ارزش‌های اخلاقی دارند؛ در حالی که نسل سوم بیشتر در پی مطالبات حقوقی هستند. در این میان نسل دوم به عنوان حلقه واسطه بین این دو نسل، در وضعیت بینابین قرار دارد. نتایج آزمون آنوا در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان داد که بین میزان مطالبات حقوقی در سه نسل تفاوت وجود دارد (جدول ۲) و بر اساس نتایج آزمون تعقیبی شفه، میانگین میزان مطالبات حقوقی در نسل سوم از نسل دوم و در نسل دوم از نسل اول بیشتر است (جدول ۳). این نتایج فرضیه اول را تأیید کرد. یافته‌های پژوهش همچنین فرضیه دوم را مورد تأیید قرار داد و در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان داد که میزان رعایت موازین اخلاقی در نسل‌های بررسی شده تفاوت دارد (جدول ۴). بر اساس نتایج آزمون تعقیبی شفه نیز میانگین نمرات موازین اخلاقی در نسل اول از نسل دوم و در نسل دوم از نسل سوم بیشتر است (جدول ۵). نتایج آزمون پیرسون که فرضیه سوم را مورد پذیرش قرار داد، بیانگر آن است که رابطه بین میزان مطالبات حقوقی و رعایت موازین اخلاقی، در سطح ۹۹ درصد اطمینان در دو نسل اول و دوم و با سطح اطمینان ۹۵ درصد در نسل سوم معنادار، معکوس و قوی است. پس می‌توان گفت با افزایش مطالبات حقوقی، رعایت موازین اخلاقی کاهش می‌یابد و بالعکس. در این خصوص باید اضافه کرد که این رابطه در نسل سوم ضعیف است و از این رو احتمال دارد که با وجود رعایت ارزش‌های اخلاقی، مطالبات حقوقی این نسل بالا باشد (جدول ۶). یافته‌های مرتبط با فرضیه ۴ بیانگر آن است که رابطه بین متغیرهای

تحصیلات و توجه زنان به مطالبات حقوقی در نسل سوم تأیید نمی‌شود، اما در دو نسل دیگر معنادار است. به بیان دیگر ممکن است نسل سوم با وجود تحصیلات بالا، مطالبات حقوقی کمتری داشته باشد و بالعکس (جدول ۷). با پذیرش فرضیه ۵، رابطه بین تحصیلات و رعایت موازین اخلاقی در هر سه نسل تأیید می‌شود به عبارت دیگر میزان تحصیلات بر پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی در هر سه نسل تأثیرگذار بوده است (جدول ۸). با تأیید فرضیه فرعی ۶، وجود رابطه بین دو متغیر اشتغال و میزان مطالبات حقوقی در نسل سوم تأیید نشد (جدول ۹). به عبارت دیگر نسل سوم صرفنظر از اشتغال، مطالبات حقوقی بالاتری در مقایسه با دو نسل دیگر دارد. بررسی رابطه اشتغال و میزان توجه زنان به ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی به تفکیک نسل نشان داد: این رابطه در نسل سوم و دوم رد اما در نسل اول تأیید می‌شود. در واقع آزمودنی‌های نسل‌های دوم و سوم، اعم از شاغل و غیر شاغل، در مقایسه با نسل اول توجه کمتری به رعایت موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی دارند (جدول ۱۰). بررسی رابطه بین تحصیلات همسر و توجه به مطالبات حقوقی در تعاملات زناشویی (فرضیه ۸) به تفکیک نسل، آن را در نسل سوم مورد پذیرش قرار نداد؛ اما در نسل دوم و اول تأیید کرد (جدول ۱۱). یافته‌ها رابطه بین تحصیلات شوهر و رعایت موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی (فرضیه فرعی ۹) را نیز در نسل سوم رد و در دو نسل دیگر تأیید کرده است (جدول ۱۲). از این رو می‌توان گفت در این خصوص نیز بین نسل‌ها تفاوت وجود دارد.

بنابراین سه نسل مورد بررسی در ارتباط با مطالبات حقوقی و موازین اخلاقی در تعاملات زناشویی، تفاوت داشته‌اند و با مشخص شدن این تفاوت‌ها در چارچوب فرضیه‌های تحقیق، فرضیه اصلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز مهم‌ترین متغیرهای تبیین کننده این تفاوت‌ها را مشخص کرد. بر اساس نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه، این متغیرها در ارتباط با «مطالبات حقوقی»، اشتغال، تحصیلات و نسل است که ۴۹/۹ درصد واریانس این متغیر وابسته را تبیین کرده

(جدول ۱۳) و متغیرهای زمینه‌ای سن، مدت زندگی زناشویی و اشتغال، ۴۳/۶ درصد واریانس متغیر «ارزش‌های اخلاقی» را تبیین کرده است (جدول ۱۴).

با توجه به نتایج به دست آمده، به نظر می‌رسد تغییر ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی، یکی از دگرگونی‌های ارزشی قابل تأمل در خانواده‌های ایرانی باشد که پیامدهای آن برای خانواده و جامعه انکارناپذیر است. دگرگونی‌ای که زنان متأهل جوان را از توجه به ارزش‌های اخلاقی دگرخواهانه به سمت مطالبات حقوقی خودخواهانه در زندگی مشترک سوق داده و در بهترین حالت آنان را به رعایت اخلاق تکلیف مدار و حق مدار وا داشته است و نه اخلاق فضیلت مدار که مستلزم از خود گذشتگی و ایثار و به بیان دیگر اخلاق مداری مورد نظر آموزه‌های اسلامی است. در همین راستا نتایج این پژوهش نشان داد میانگین نمرات گویه‌های مرتبط با مطالبات حقوقی در نسل سوم بیش از نسل اول است و نسل دوم در وضعیت بینابین قرار دارد؛ بدین معنا که میزان مطالبات حقوقی‌اش، از نسل اول بیشتر و از نسل سوم کمتر است. در ارتباط با نمرات مربوط به «رعایت موازین اخلاقی در زندگی زناشویی»، میانگین نمرات نسل سوم از میانگین نمرات نسل دوم و اول کمتر بوده و میانگین نسل دوم از نسل اول. نسل دوم در وضعیت بینابین قرار داشته است. این امر همان گونه که نتایج این پژوهش نشان داد، می‌تواند به دلیل تحصیلات، اشتغال، و تفاوت‌های نسلی باشد. تحصیلات، در آگاه‌سازی به ویژه نسل سوم و افزایش توقعات و مطالبات حقوقی زنان نقش دارد. اشتغال و یا حتی امید به اشتغال در نسل جوان، عامل مهمی در این خصوص به شمار می‌رود. نیاز اقتصادی و آگاه نبودن از حقوق در نسل اول و نبود حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی از زنان (به شکلی که در مورد نسل سوم وجود دارد)، سبب شده تا زنان نسل اول برای سازگاری با شرایط، بیشتر به رفتارهای اخلاقی روی آورند. شاید نداشتن شغل و درآمد در درصد بالایی از زنان این نسل، مانع از طرح مطالبات حقوقی توسط آنان در تعاملات زناشویی شده و یا احتمال دارد مدت طولانی زندگی مشترک در این زنان موجب زندگی زناشویی اخلاقی‌تر در آنان شده

باشد. زندگی طولانی مدت زوجین، می‌تواند منجر به عادی شدن رفتار همسر شده و مانع از بروز حساسیت توسط زن شود. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان داد که «مدت زندگی زناشویی»، از متغیرهایی است که می‌تواند متغیر «میزان رعایت موازین اخلاقی در زندگی زناشویی» را در آزمودنی‌ها پیش بینی کند.

افزون بر این، در گذشته فرهنگ و عرف حاکم بر جامعه، «رفتار اخلاقی با همسر» را نه تنها مطلوب که آن را بر اساس آموزه‌های دینی، از وظایف زناشویی می‌دانست. از این رو چنین فرهنگی در زنان نسل اول نهادینه شده است. در این میان نباید از ماهیت فردگرایانه و منفعت طلبانه و نه مصلحت طلبانه قانون مدنی در کشورمان، به دلیل تأثیرپذیری آن از قوانین کشور فرانسه غفلت کرد. معضلی که حتی تبعیت قوانین ایران از احکام اسلامی نتوانسته بر آن غلبه کند. تمام این عوامل می‌توانند در ایجاد تفاوت‌های نسلی تأثیرگذار بوده باشند. بنابراین نباید این تفاوت‌ها را به معنای اخلاقی‌تر بودن نسل اول دانست. اظهار نظر قطعی در این زمینه نیاز به پژوهش یا پژوهش‌های جامعه‌شناختی و استنادات معتبر علمی دارد. نظر به اهمیت ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی، پژوهش پیرامون علت‌یابی این موضوع، از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌بایست از ابعاد گوناگون به آن توجه کرد. این پژوهش بدون ورود به علت‌ها، صرفاً به توصیف و تحلیل وضعیت موجود در زنان متأهل شهر تهران پرداخت؛ و علت‌یابی مسئله را به پژوهشی دیگر موکول کرد. افزون بر این، چون پژوهش حاضر، زنان متأهل را مورد مطالعه قرار داده است، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با جامعه آماری مردان متأهل به منظور شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در این زمینه انجام شود. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده، ضرورت دارد برای حفظ خانواده، از راه‌های گوناگون به زنان و مردان حقوق و تکالیف آنان را در زندگی زناشویی یادآور شویم و همزمان با آن به ترویج اخلاق اسلامی و نقش آن در تأمین حقوق پردازیم. اسلام در تمام موارد، حقوق را با اخلاق درآمیخته و به حقوق خانواده، ضمانت اجرای وجدانی و ایمانی بخشیده است. پایبندی به موازین دینی، ضمانت

اجرای بسیار مطمئنی برای روابط سالم و عادلانه در زندگی زناشویی است؛ ضمانت اجرایی از جنس پاداش و تنبیه الهی. در این راستا نهادهای فرهنگی و آموزشی وظیفه سنگینی برعهده دارند. نهادهای قانونگذاری و قضایی باید راهکاری برای نزدیک کردن هر چه بیشتر حقوق به اخلاق ببیند. حقوقی شدن اخلاق، حتی اگر از ضمانت اجرای مطلوبی برای تأمین حقوق زن برخوردار نباشد، قادر خواهد بود با مشخص کردن حقوق و تکالیفی که روز به روز اخلاقی تر می شوند، راه را بر قضاوت های شخصی در این خصوص ببندد. در این صورت زوجین حتی اگر به اخلاق تکلیف مدار (و نه الزاماً فضیلت مدار) پایبند باشند، خود را موظف به رعایت آن می دانند. ارایه درس اخلاقی در مدارس و دانشگاه ها بر مبنای اخلاق دگرخواهانه و فضیلت مدار اسلامی، انگیزه سازی و جذابیت برای انجام کارهای اخلاقی، نقش مهمی در ایجاد جامعه اخلاق مدار خواهد داشت. با رشد اخلاق، نه تنها فرد هنگام تخطی احساس گناه می کند، بلکه حتی تصور این احساس با درگیر کردن وجدان، مانع از هرگونه اقدام غیر اخلاقی خواهد شد. ضمن آن که جامعه اخلاق مدار با کسانی که به حقوق دیگران تجاوز می کنند، برخوردی سخت خواهد داشت و آن ها را به انزوا خواهد کشاند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰)، *جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- چابکی، ام البنین (اردیبهشت ۱۳۹۳)، «نقش اخلاق مدارا در تأمین حقوق زن در خانواده»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی اخلاق؛ اخلاق و آداب زندگی*، دانشگاه زنجان.

۱۷۲ فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۹۵

- خورانی، بهزاد؛ شریفی، غلام حسین. (۱۳۸۹)، «صائب تبریزی و اخلاق هنجاری، بازنمایی اخلاق در عصر صفویه»، *اخلاق*، شماره ۲۲.
- زارعی، محمدمهدی. (۱۳۹۰)، «درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده»، *دوفصلنامه فقه و اصول*، س ۴۳، پیاپی ۸۷/۱.
- ژکس. (۱۳۶۲)، *فلسفه اخلاق (حکمت عملی)*، ترجمه: ابوالقاسم پورحسینی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- ستوده، هدایت‌اله؛ کمالی، ایرج. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی با تأکید بر دیدگاه‌های کارکردگرایی، تضاد و کنش متقابل اجتماعی*، تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ دوم.
- شفایی، عبدالله. (بی تا)، «بررسی حقوق خانواده در پرتو اخلاق»، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، فرصت‌ها، چالش‌ها و راه‌کارها: ۱۶۹-۱۹۸. در: *سایت مؤسسه فرهنگی بشارت*.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۸۹)، «نقش حقوق درکارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، *معرفت*، سال ۱۹، شماره ۱۵۴.
- عباس زاده، عباس. (۱۳۹۳)، «شریعت ضمانت اجرای اخلاق»، *پژوهشنامه اخلاق*، ش ۲۴.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹)، *فرهنگ لغت عمید*، تألیف و ویرایش فرهاد قربان زاده، تهران: اشجع.
- فرزند وحی، جمال؛ احمدی، فاطمه. (۱۳۹۲)، «جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات»، *سراج منیر*، بهار ۱۳۹۲، س ۳، ش ۱۰.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتاد و شش.

مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در ... ۱۷۳

- گولد، ج؛ کولب ویلیام. ل. (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام و دیگران، تهران: انتشارات مازیار.

- مارشال، گ. (۱۳۸۸)، *فرهنگ جامعه شناسی*، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان.

- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: طهوری.

- مرکز آمار ایران،

http://www.sci.org.ir/SitePages/report90/gozaresh_ostani_shahrestani.aspx

- مهدوی، محمدصادق. (۱۳۷۷)، *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج؛ نگرشی جامعه*

شناختی به مشکلات ازدواج جوانان در شهر تهران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- مهدوی کنی، صدیقه. (۱۳۹۲)، «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام

معرفتی اسلام»، *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، دوره ۱۸، شماره ۵۸.

- ویلیامز، ب. (۱۳۸۳)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه و تعلیقات زهرا جلالی، قم: نمایندگی

مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳)، *شکاف بین نسل‌ها*، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده

علوم انسانی و اجتماعی.

- Annas, J. (2001). "Ethics and Morality". In: *Encyclopedia of Ethics*, ed. by Lawrence Becker and Charlotte Becker. London and New York: Routledge, 2nd ed. Pp.485-487.

- Chibucos, T. R & Leite, R. W. (2005). *Reading in Family Theory*, London: Sage Publications.

- Inglehart, R. and Christian, W. (2007). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*, Cambridge university Press.

- Lou Benotto, M (1995). “Ethics in Family Law:Is Family Law Advocacy a Contradiction in Terms?”. **Presented to the Advocates' Society Conference** in Nassau, Bahamas, December 1995.
- Margolin, G (1982). “Ethical and Legal Considerations in Marital and Family Therapy”. *American psychologist*, July 1982.Vol. 37, No. 7: 788-801.
- Triandis, H. C. Gelfand, M. J. (1998). "Converging Measurement of Horizontal and Vertical Individualism and Collectivism". *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, No.1, 118-128.